

حدیث روز:
امام حسن (ع):
دنیاخواه، بنده دنیادار است.

پلک احساس:
فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم
بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۱۰
اذان مغرب: ۲۰/۴۴
اذان صبح (فردا): ۴/۱۲
غروب آفتاب: ۲۰/۲۳
نیمه شب شرعی: ۰۰/۱۸
طلوع خورشید (فردا): ۵/۵۶

راپورت‌های میرزا ادريس

تعليقه‌ای در باب گاندو

🔗 مدتی این گرمای هوا باعث شده مطلقا دست و دلمان به نگارش نرود. مدام یاد آنسدرونی‌به استحمامیم یا عین گربه خاقان غفغور شاه شهید، بیری خان یک گوشه در سایه لمیده ایم و آب هندوانه و طالبی و خاکشیر یخمال به خیک همایونی می بندیم بلکه این عطش و گرما فرو بنشیند، تو بگو یک ارزن، مطلقا افاقه نمی‌کند. یحتمل باید پیش سدیعقوب حکیم باشی برویم جوشانده ای چیزی تجویز کند تا این حرارت مزاج از ما سلب گشته، عافیت کامل حاصل گردد. اطلاله کلام نفرماییم. مخلص این‌که سر صبح مشاهده فرمودیم که خشایارخان دارد ته هندوانه را کفتراش کرده با قاشق به نیش می کشد و در ماسماسک همراهش خنده‌ها لپوود می‌نماید. فرمودیم آن بدبخت از پوست تخم مرغ نازک‌تر شد، وابده به گاز و گوسفند مردم هم چیزی برسد، عارض شد جیگر سرخش که عابدی شماست، همین پوستش را چشم ناردیم ما می خوریم؟ کنار حصیر لنگ دمپایی ور دستمان بود برداشتیم حواله‌اش کردیم. جاحالی داد پدر سوخته، فرمودیم حالا به چی می خندی؟ عارض شد: گویا یکی از آشنایان دولت فخمیه از پخش گاندو خوشش نیامده، چیزی نوشته تیکه‌ای بار سازندگان کرده‌است، فرمودیم گاندو چیست؟ عارض شد تمساح پوزه کوتاه سیستانی، فرمودیم مگر تمساح سخانی است که بکی بسازد و یکی از ساختش سوزش بگیرد؟ عارض شد خیر نه این نام را بر سریالی گذاشته اند که شب از تیلیفیزیون نمایش می دهند ملت می نشینند به تماشا، مثل همان سینماتوگراف اماتور منزل، فرمودیم خب حالا قصه اش چیست؟ عارض شد: گویا قصه یک جاسوسی است که خیلی در امورات خفیه مملکتی ورود کرده‌است و حتی تا طعم سقز رجال حکومت را هم به آن ور آبی‌ها راپورت داده و کاغذ فرستاده. فرمودیم خب؟ عارض شد این سریال به این پرداخته که این مردک جاسوس را چگونه گرفته اند! گفتیم به به چه شاهکاری کرده‌اند این‌که جلرو ولر ندارد! یکی جاسوسی کرده، گروهی دستگیرش کرده و نقل کشیده‌اند و کت سخته تحویل قاضی اش داده‌اند این‌که خوب است! خشایار عارض شد: بله خوب است رعیت هم گیغور شده اند از این رشادت، اما گویا دوست و آشنا بر نتابیده اند و شروع کرده‌اند که ال است و بل... فی الواقع از ادامه بحث منصرف گشته گفتیم همان پوست هندوانه ات را کفتراش کن، عارض شد دمپایی همایونی افتاد توبیش کنیف شد. دلمان سوخت پول گذاشتیم پر شالش برود یک هندوانه بغرد یخورد خودمان هم مخمان از این خبر باز داغ کرده‌است. 🔗

دستمزد

در کدام کشورها بالاست؟

طبق نظرسنجی انجام شده از متخصصان جوانی که به خارج از کشور خود مهاجرت کرده‌اند، بیشترین افزایش دستمزد برای این افراد در اندونزی و ترکیه به چشم می‌خورد. به گزارش اقتصاد آنلاین، نظرسنجی اخیر انجام شده توسط HSBC، نشان می‌دهد جوانانی که دارای حرفه و تخصص مشخصی هستند و تا قبل از ۳۵ سالگی مهاجرت کرده‌اند، دارای افزایش درآمد بیشتر و همچنین ترفیع جایگاه سریع‌تری هستند. این گروه از افراد، پس از جابه‌جایی به خارج از کشور خود، به طور میانگین، ۳۵ درصد افزایش دستمزد را تجربه می‌کنند. با استناد به این نظرسنجی، در حال حاضر، بیشترین افزایش درآمد برای جوانان متخصص که به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند، در اندونزی و ترکیه به چشم می‌خورد.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیما ی جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ۱509001:2008

شایه ۳۵N۱۷۳۵-ISSN۳۶۳۷۰
پایگاه اطلاع‌رسانی:
www.jamejamdaily.ir
پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir

سه‌شنبه ۱۸ تیر ۱۳۹۸ | ۶ ذی‌القعدة ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحہ | سال بیستم - شماره ۵۴۲۶ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2019 July 9

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه



تهران

۳۹ / ۲۶



اهواز

۴۶ / ۲۷



بوشهر

۳۶ / ۲۸



بیرجند

۳۸ / ۲۳



کرمناشاه

۳۰ / ۱۷



گرگان

۳۰ / ۲۳



قم

۴۱ / ۲۳

گفت و گو با نورالدین عافی

جانباز ۷۰ درصد

تقوا، گم شده است...

🔗 اگر حالت خوش نیست، اگر روزگار آتچنان که باید صاف و هموار نیست، اگر به نظرت دیگر راه گریزی نیست، دست را بگذار روی قلبت چند لحظه‌ای چشمانت را ببند تا سختی‌ها را نبینی، بر ضربان قلبت که سال‌هاست بی‌وقفه می‌تپد، متمرکز شو و به یاد بیاور، بیاد بیاور همه لطف‌هایی‌که خدا تاکنون برایت انجام داده و تو در این لحظه یا روزهای سخت نیاز داری آنها را برای خودت یادآوری کنی تا بدانی که تنها نیستی و همیشه، حتی آنجا که کارد به استخوان رسیده و وامانده بودی، خدا به دادت رسید و تو مانند غریقی در حال مردن، نفسی تازه کردی و گفتی: الهی شکر، خدایا شکر... برای ادامه زندگی، برای عبور از شرایط سخت باید به یاد بیاوری که تنها نیستی، باید ایمان داشته باشی که در تاریک‌ترین لحظات کسی هست که اگر بخوانیش اگر با ایمان صدایش بزنی، جواب می‌دهد. اگر به زبان بیاوری که می‌دانی همیشه به تو لطف داشته، مانند آبی زلال به عطش روحت می‌بارد و دلت را خنک می‌کند، آنچه نیاز است، ایمان است؛ ایمان به این که او هست، شکرگزاری را می‌بیند و می‌داند در خوشی و ناخوشی او را صدا می‌زنی که اصلا به دنیا آمده‌ای که مدام او را بخوانی وگرنه کاری در این دنیا نداشتی. ایمان که داشته باشی او را می‌خوانی و او همچنان‌که وعده داده: استجب لکم... کنار تو، تو را به مقصد می‌رساند.

طاهره آشنایی روزنامه‌نگار می‌کند و می‌گوید: باشد تو اخطارهایت را دادی و راه‌ها را نشان دادی، حالا کمی آرام بگیر بگذار دور و برم را نگاه کنم، داشته‌هایم را پیدا کنم، خدا را صدا بزنم و با مشورت او از این چالش به در آییم. وقتی در اوج سختی شکرگزار داشته‌هایت باشی، خدا به تو مشورت می‌دهد و مشکلات حل می‌شوند. نورالدین عافی، جانباز ۷۰ درصد یکی از همین آدم‌هایی است که به راه دلش رفته، دلی‌که از ایمان لبریز است و راه را از بیراهه نشانش می‌دهد. از همان زمانی که ۱۶ ساله بود و به جبهه رفت و ۸۰ ماه در خط مقدم ماند. هر بار که مجروح شد به پشت خط منتقل شد، اما بعد از این که حالش خوب شد، دوباره برگشت و مبارزه کرد. عافی را کسی نمی‌شناخت تا این که کتاب نورالدین پسر ایران منتشر شد و بخشی از مردم پسر ایران را که زاده تبریز است، شناختند. اما راستش را بخواید، تب و تاب‌های کتاب‌که آرام گرفت، نورالدین هم به زندگی عادی اش برگشت و شاید الان خیلی از جوان‌ها او را نشناسند و خیلی‌ها او را به یاد نیاورند. اما نورالدین همان نورالدین سابق است، پر از ایمان و البته کمی دلگیری. دلگیر نه برای خودش و شرایطش که او خوب بلد است چگونه از پس هر دشواری برآید. دلگیر از این بابت که چرا آدم‌ها عوض شده‌اند و حرف و عملشان یکی نیست. حرف از تقوا می‌زنند اما سبک زندگی‌شان بر مدار بی‌تقوایی است. در ظاهر شکرگزارند، اما در باطن همه امورات زندگی‌شان برای کسب درآمد بیشتر است، حتی اگر از راه نامشروع باشد، حتی اگر مال حرام خوبی مالشان شود. عافی می‌گوید: من حالم خوب است، همیشه حالم خوب بوده، همیشه شاکرم، چه آن روزها که در خط مقدم می‌جنگیدم، چه بعد از جنگ که جسمم ناقص شد و چه امروز که می‌گویند شرایط سخت است و خیلی‌ها شاکی‌اند. مگر می‌شود ایمان داشت و از شرایط ترسید؟ مگر

دادگاهی کردن خروس بی‌محل

در فرانسه روند محاکمه خروس خانگی که همسایه‌ها را با آواز بلندش بیدار می‌کند، آغاز شد. به گزارش ایلنا، در این دادگاه خروسی به نام موریس و صاحبش کارین فسو با شکایت همسایه‌های پیر حاضر شدند. آنها از این موضوع ناراضی بودند که خروس صبح خیلی زود بیدار



عکس: فارس

تابستان در پارک آب و آتش تهران



و یاد گرفتیم دروغ نگوییم، ریاکار نباشیم، تهمت نزنیم، مال مردم را نخوریم. اما الان مردم معلم درست و حسابی ندارند که به او نگاه کنند و شکرگزار ی مرام انسانیت را یاد بگیرند.

جبهه، بهشت مابود

نورالدین اما دلگیر است، می‌گوید: زمان جنگ فرماندهان ما اهل تقوا بودند. ما که چیزی بلد نبودیم به آنها نگاه می‌کردیم و راه و رسم انسانیت را یاد می‌گرفتیم. ایمان آنها و این که حرف و عملشان یکی بود، جبهه را برایمان بهشت کرده بود. مگر نه این است که بهشت جایی است که مومنان در آن سکونت دارند. در زمان جنگ همه مومنان فرماندهان ما بودند.

امروز کشور نه درگیر جنگ است و نه دشمن در خاکمان است، اما آنچه دارد نابودمان می‌کند، خودبینی و زیاده‌خواهی کسانی است که اداره کشور را به دست دارند. همه دارند از تقوا صحبت می‌کنند، اما نگاهشان به جیشان است. تقوا چه ارتباطی با مال‌اندوزی دارد؟

ما در جبهه بودیم و با دشمن می‌جنگیدیم اما می‌دیدیم فرماندهان مدام خدا را شکر می‌کنند که این توفیق نصیبشان شده که بتوانند از مردم دفاع کنند. حتی وقتی مجروح می‌شدیم خدا را شاکر بودیم، چون به کار و راهمان ایمان داشتیم و می‌دانستیم خدا ما را غرق خیر و برکت می‌کند. نسل ما در جبهه بود که به فرماندهان نگاه کردیم

مصادره اموال خانم وزیر

روز جمعه اداره مبارزه با فساد اداری در نیجریه گفت، دادگاه دستور داده تا جواهرات و گوشی آیفون از جنس طلاایی را که به طور ویژه برای وزیر نفت سابق، خانم «دیزانی آلیسون مادوک» ساخته شده بود را مصادره کنند. قیمت وسایل و جواهرات وزیر سابق نفت نیجریه به ۴۰ میلیون دلار می‌رسد. به گزارش تابناک، او در حال حاضر متواری است و محل زندگی او مشخص نیست و پلیس بین‌الملل در تلاش برای دستگیری اوست. دادگاه دولت در سال ۲۰۱۷ میلادی مجوز مصادره نهایی مجتمع مسکونی به قیمت ۳۷/۵ میلیون دلاری آلیسون مادوک در منطقه لوکس لاگوس را صادر کرده بود. کمیسیون رسیدگی به جرایم اقتصادی و مالی در بیانیه‌ای اعلام کرد، این اموال در ملک آلیسون مادوک یافت شده است. علاوه بر آپارتمان لوکس ۳۷ میلیون دلاری در لاگوس و گوشی آیفون از جنس طلا، ۴۱۹۰ تنگه، ۵۳ عدد حلقه و ۱۸۹ عدد ساعت مچی گران‌قیمت نیز مصادره و به دادگاه نیجریه تحویل داده می‌شود. گرفتن رشوه برای بستن قراردادهای نفتی یکی از راه‌های به دست آمدن این اموال بوده است. او اولین رئیس زن اوپک نیز بوده است.

امروز در تاریخ:

- 🔗 روز بزرگداشت حضرت شاهچراغ ☹️
- 🔗 درگذشت کریم امامی (۱۳۸۴ش)
- 🔗 درگذشت مهدی آذر یزدی، نویسنده داستان‌های کودک و نوجوان (۱۳۸۸ ش)
- 🔗 تولد احمد پژمان، موسیقیدان (۱۳۱۴ش)

حکمت ۴۵۱:

🔗 دوری تو از آن کس که خواهان تو باشد نشانه کمبود بهره تو در دوستی است و گرایش تو به آن کس که تو را نخواهد، سبب خواری توست.



داستان پدر و پسر و بقیه و چوب

🔗 در روزگاران قدیم مرد ثروتمندی زندگی می‌کرد که از دار دنیا - منهای اموال و املاک و مستغلات بسیار - يك پسر داشت. اما هرچه تلاش و کوشش می‌کرد او را درست تربیت نکند، او درست تربیت نمی‌شد و همواره کارهای زشت و ناپسند انجام می‌داد و از کرده‌های خود نیز دلشاد بود. روزی پدر پسر او را برای خرید انگور، انجیر و انار به بازار میوه و تره‌بار فرستاد. پسر رفت و چندین ساعت بعد هنگام غروب در حالی‌که فقط انجیر خریده بود به خانه بازگشت. پدر، پسر را کتک زد. پسر گفت: چرا می‌زنی؟ پدر گفت: به دو دلیل. اول این‌که تو را برای خرید سه چیز فرستادم و تو يك چیز خریدی و دو چیز دیگر را بیچاندی و دوم این‌که تا الان کدام قبرستانی بودی؟ پسر کتک‌ها را خورد و هیچ نگفت.

فردای آن‌روز پدر پسر به‌سختی بیمار شد، به حدی که در بستر افتاد و توان رفتن به درمانگاه نیز نداشت. در نتیجه پسر را صدا زد و گفت: ای پسر، برو دक्टर خبر کن. پسر رفت و سه دقیقه بعد همراه چند نفر به خانه بازگشت. پدر گفت: چه زود برگشتی. اینها کی‌اند؟ پسر گفت: به من گفتی وقتی تو را پی کاری فرستادم اول این‌که زود بیا و دوم این‌که چندکار را بکن. من زود آمدم و این اولی پزشك عمومی است و در درمان بیماری‌های عمومی بسیار حاذق است و حتی کار تخوان نیز دارد. پدر گفت: خب. دومی کیست؟ پسر گفت: دومی طبیب سنتی است که اگر درمان‌های طب جدید بر تو اثر نکرد، با روش‌های سنتی از قبیل جوشانده، دمنوش و پمادهای دست‌ساز تو را درمان کند. پدر گفت: خب، سومی کیست؟ پسر گفت: سومی وکیل است که اگر درمان‌های امروزی و سنتی نتوانست تو را درمان کند و خدای‌نکرده بانم‌لال بعد از صد و بیست سال، درباره اموال، املاک و مستغلات تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. پدر گفت: ای بی‌شرف، چه‌ارمی کیست؟ پسر گفت: چهارمی مدیر مؤسسه تکفین و تدفین سرای‌باقی‌گستران یویاست و او را آورد‌ه‌ام تا با مشورت خودت، محل دفن و برنامه مراسم ترحیمت را طراحی کند. پدر که کلا توقع نداشت، بیماری را فراموش کرد و چوب را برداشت و به دنبال پسر و همراهان افتاد و نری گفتی چوب به آنها زد و آنها را خاموش کرد. 🔗

این گاو بازهای دیوانه

جشنواره سن فرمین، بزرگ‌ترین جشن گاو‌بازی سرزمین کاتالون‌ورها در پامپلونای اسپانیا آغاز شد. به گزارش فرارو، در این شهر کوچک اسپانیا، گاوها در طول خیابان‌رها و در مسیری به سمت استادیوم هدایت می‌شوند. در طول مسیر افراد در مقابل گاوها فرار می‌کنند. برخی در مسیر حرکت گاوها زیر دست و پا می‌افتند و مجروح می‌شوند. پیش از آغاز مراسم گاو‌بازی هزاران ماجراجویی که از سراسر دنیا خود را به میدان پلازا کونسپسیتوریال در شهر پامپلونا رسانده‌اند با جشن و پایکوبی و غرق شدن در شراب قرمز، خود را آماده می‌کنند تا با فرار کردن از برابر گاوهای وحشی خشمگین، از ماجراجویی و اضطراب و دلهره لذت ببرند.



این جشنواره که هر سال از ۶ تا ۱۴ ژوئیه در پامپلونا آغاز می‌شود همه ساله اعتراضات گروه‌های حامی حقوق حیوانات را هم به همراه دارد.